اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت ۱۹۸)

رشد معنوی (بخش ۲)

قصد خدمت کردن به خدا

چندین سال پیش که ویروس کرونا ظاهر شد، شرکتهای بزرگ داروسازی واکسنهایی را برای آن تهیه کردند. اما گروههای خاصی در جهان در مقابل این واکسنها ایستادگی کردند. آنها این واکسن را توطئه دنیای سرمایه داری برای نابودی و ضعیف کردن نسل بشر می دانستند. البته شاید توطئه آنطوری و هدفداری برای نابودی نسل بشر در میان نبوده باشد. شرکتی که کارش داروسازی است، او در فکر ساخت یک دارو برای مقابله با یک ویروس مشخص است. حالا انگیزه او در ساخت این دارو چیست، که بیشتر مواقع پول

و کنترل بازار دارو است. در این میان، ضعیف کردن سیستم ایمنی بدن انسانها برایشان زیاد مهم نیست. انسان فراموشکار است. گاهی در ساخت و تجاری سازی یک محصول، اصل و هدف اساسی و ریشه را فراموش میکند. معمولا در تجاری سازی، یک اقلیت پولدار و پرقدرت کارها را به دست می گیرند و بقیه فقط مصرف کننده هستند. همین حالا هم، تلفنهای همراه را شرکتهای محدودی با پرسنل و افراد محدودی میسازند و بقیه مردم جهان فقط مصرف کننده و یا فروشنده هستند. این مورد برای دارو و غذا های فرآوری شده هم مطرح است.

ما اینجا تئوری توطئه را کنار می گذاریم و میگوئیم که در بیشتر موارد توطئه ای هدفمند در کار نبوده است. بلکه میگوئیم تا بوده و خواهد بود، این خاصیت علم ناقص انسان بوده است که ناخواسته وارد خسران میشود. علم انسان بدون معنویت مشکل ساز است. هر علمی، هر تغذیه ای و هر روش و وسیله دیگری بدون معنویت، به یک مشکل تبدیل میشود. بکارگیری هر گونه ایدئولوژی غلط در هر نقطه از جهان، بعد از مدتی روال و رویه زندگی ها را مختل میکند و به جریانی ضد جریان رحمانی تبدیل میشود. آیات سوره حج مطالب مهمی را در این زمینه بیان میدارند.

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ ۖ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ ۗ وَمَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ ۚ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ ۩ حج/۱۸

آیا ندانسته‌ای که هرکه در آسمان‌ها و زمین است، و خورشید و ماه و ستارگان و کوه‌ها و درختان و جنبندگان، و بسیاری از مردم برای خدا سجده می‌کنند؟ و بر بسیاری [هم که از سجده‌کردن رویگردانند] عذاب قطعی شده است، و کسی که خدا خوارش کند گرامی‌دارنده‌ای برای او نیست، بی‌گمان خدا هرچه بخواهد انجام می‌دهد.

هر آنچه در آسمانها و زمین است؛ اعم از خورشید و ماه و ستاره و کوه و درخت و هر نوع جنبنده ای و بسیاری از انسانها، موافق نظام رحمانی اند و موافق آن شنا میکنند و البته تعداد زیادی هم برخلاف نظام رحمانی شنا میکنند. در این آیه سجده کردن به آن معناست که این موجودات طبق فرمان و امر خدا عمل میکنند و در این راه به خدای رحمان خدمت میکنند و در این امر، نهایت اطاعت پذیری و امرپذیری خود را به نمایش می گذارند. درخت و خورشید و ماه و همه جانداران طبق روش رحمانی سیر میکنند و اهداف درستی را طی میکنند. بجز انسان که در این زمینه به دو گروه تبدیل شده اند. گروهی که طبق نظام رحمانی شنا میکنند و گروهی دیگر که خلاف نظام رحمانی شنا میکنند (تعبیر خوابی که در این زمینه دیدم، را ملاحظه کنید). این دو گروه انگار ابتدا با همند ولی به مرور به مخالف همدیگر تبدیل میشوند

و در نهایت در خصومت به دشمن همدیگر تبدیل میشوند. خدای رحمان این ها را کلا به دو گروه تقسیم کرده است، زیرا محوریت خصومت که جداکننده حق و باطل است؛ خصومت و جدال در مورد پروردگار است. یعنی ربّ و تربیت کننده همه جهان. انسانها بیشترین مشکل را با ربّ خود دارند و به امر و نهی های ربّشان توجه نمی کنند، زیرا نمی خواهند تحت فرامین پروردگارشان تربیت شوند و منشاء خصومت شان از همینجا شروع میشود. اختلاف بین انسانها زیاد است ولی اختلافی خطرناک است که در مورد بکارگیری روش خدا در زندگی بوجود میاید. سایر اختلافات را میتوان جوری حل کرد. اما اختلاف بر سر روش ربّ را نمیتوان حل کرد و به خصومتی غیر قابل حل تبدیل میشود که در نهایت حل آن به آخر الزمان و یا قیامت می افتد. مثلا دو نفر هستند که ابتدا با هم دوستند و با همدیگر به خوبی رفتار میکنند. اما بعد از مدتی، روش درمان و روش تغذیه شان جدا میشود. یکی میخواهد به روش رحمانی ادامه دهد و به طور حداقلی و ناچاری از دارو های شیمیایی استفاده میکند؛ اما یکی دیگر آن را زیاد بکار می گیرد. این دو نفر در نهایت به خصم هم تبدیل میشوند. اصلا اختلاف طبقاتی موجود در جامعه بخاطر طائفه و نژاد و زبان و قومیت نیست و بلکه بخاطر جدا شدن نوع سفره های غذا و تربیتها و روشهای درمان و آموزش رخ میدهد. بعد از مدتی؛ عده ای از مردم تغذیه شان و یا روش درمانشان را جدا میکنند و به این طریق

طبقات مختلف بوجود میاید. مدارس طبقاتی بوجود میاید زیرا تربیتها متفاوت است و هر کدام از این گروهها براساس تربیتشان، اهداف متفاوتی را در مورد تحصیل دنبال میکنند. در نهایت این گروهها در آخرالزمان و یا آخر دوره خود به خصم همدیگر تبدیل میشوند.

هَذَانِ خَصْمَانِ اخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ فَالَّذِينَ كَفَرُوا قُطِّعَتْ لَهُمْ ثِيَابٌ مِنْ نَارٍ يُصَبُّ مِنْ فَوْقِ رُءُوسِهِمُ الْحَمِيمُ حج/۱۹

این دو گروه که دربارهٔ پروردگارشان در جدال و مشاجره‌اند دشمن یکدیگرند، پس برای کافران لباس‌هایی از آتش [به اندازهٔ اندامشان] بریده شده، و از بالای سرشان مایع جوشان به رویشان ریخته می‌شود

این ثابت میکند که اختلاف واقعی بین افراد فقط زمانی قابل حل نیست که به روش ربّ و پروردگار در زندگی برگردد. به همین خاطر در چند آیه قبل از این آیه، از اختلاف بین مذاهب و ادیان مختلف صحبت میکند و حل آن را به آخر الزمان و یا روز قیامت موکول میکند. ایمان آورندگان، یهودیان، مسیحیان، صابئیان و مجوسیان و تمام مذاهب دیگر همگی به یک منشاء بر میگردند و ابتدا همگی یک مطلب درستی می گفته اند. اما به مرور زمان در روش تربیتی و وصف مقام ربّ اختلاف پیدا کردند و این اختلافات که به سطح

ربّ برسد، دیگر قابل حل نیست و آن روز، روز جدایی است. مثلا مسیحیان مقامی را برای مسیح قائل شده اند که تقریبا مسیح را به یک الهه و ربّ تبدیل کرده اند؛ این اختلاف شوخی بردار نیست و تقریبا حل آن محال و غیرممکن است. بعضی از فرق دیگر، رُهبان و رهبران مذهبی خود را در حد خدا بالا برده اند و در عین حال انتظار دارند که سایر فرق، ایده آنان را قبول کنند و این انتظار کمی نیست و اینها نشان از وجود اختلافات عمیقی است که بین مذاهب مختلف پیش آمده است. این اختلافات فقط زمانی قابل حل است که آنان به پیام خدا در قرآن، ایمان آورند و اختلافاتشان را بوسیله آن حل کنند و تسلیم حکم نهائی قرآن شوند. خدای رحمان در این سوره، از مذاهب مختلف یهودی، مسیحی، صابئی، مجوس و ... صحبت می فرماید ولی در آیه بعدی از دو گروه که در مورد مقام پروردگار بحث میکنند، یاد میکند. این ثابت میکند که این گروهها صرف نظر از هر اسمی که برای خود انتخاب کرده اند و صرف نظر از هر گونه ادعایی که در پیش گرفته اند، در نهایت همگی به دو گروه تقسیم میشوند:

- **گروهی که مقام تربیتی پروردگارشان را قبول میکنند و طبق آن عمل میکنند**

- گروهی که مقام تربیتی پروردگارشان را قبول نمیکنند و برخلاف مسیر آن شنا میکنند.

اختلافات مذهبی که هم اکنون ما آن را به گروههای مسیحی، یهودی، مسلمان، صابئی، مجوسی، هندو، زرتشتی و غیره تقسیم می کنیم؛ در آخر الزمان و یا قیامت جور دیگری است. خدا اینجوری مردم را تقسیم بندی نمی کند، بلکه خدای رحمان در کل آن را به دو گروه تقسیم میکند و لاغیر.

بنابراین سوال کسانی که میگویند آیا فلان فرد که مسیحی است و یا یهودی است و یا زرتشتی است، آیا به بهشت میرود یا نه؟؛ بی مورد است. زیرا در نهایت تمام اینها به روش زندگی شان بستگی دارد. آیا خدا را به عنوان تربیت کننده خود پذیرفته اند و یا نه؟ آیا روش های خدا را در زندگی بکار برده اند و یا خیر؟ هیچکدام از این معیارها ربطی به دین و مذهب مادرزادی ندارند (مراجعه شود به این بخش از جادوی شیاطین).

این تقسیم بندی دو گانه برای مسلمانان هم صادق است. بنابراین کسانی که شناسنامه ای و ارثی مسلمان هستند، دلشان را زیاد خوش نکنند، زیرا اینها هیچکدام مزیت بحساب نمی آید. بلکه سبک زندگی آنهاست که تعیین میکند که جزو کدام گروه از این خصمان هستند؛ جزو گروه اولی یا دومی.

اما این گروه ها که درباره نقش پروردگار (ربّ) در جهان هستی جدال و مشاجره میکنند و با هم دشمنی میکنند؛ بالاخره راه و روش خود را جدا میکنند. گروهی که کفر را بر می گزینند و نقش خدا به عنوان ربّ و پرورش دهنده را منکر میشوند، به مرحله ای میرسند که لباسها و پوششهایی از آتش برای خود انتخاب میکنند. در نهایت مایعی به نام حمیم روی سرشان ریخته میشود. در این آیه چندین نکته نهفته است. راستی آزمایی و محقق شدن این آیه در همین دنیای فانی هم پیش میاید. اما شدت آن به نسبت جهنم فرق میکند. تمام عذابهایی که در وصف جهنم آمده است، با شدت کمتر در همین دنیا برای کافران پیش میاید. جهنم یک نوع سبک زندگی است که نمونه و سایز کوچک آن در همین دنیا به موازات پیش میرود.

نکته مهمی که در آیه وجود دارد این است که سجده کردن پاشنه آشیل این دو گروه است. این دو گروه شاید در بعضی موارد مشابه هم باشند ولی وقتی زمان سجده کردن بیاید، گروه شرّ سجده نخواهند کرد و قادر به آن نخواهند بود. سجده باعث میشود که دو گروه خصمان از هم جدا شوند. شیطان براساس دستور خدا سجده نکرد و در همانجا گیر افتاد و در فاز دشمنی با خدای رحمان افتاد. سجده یعنی تسلیم مطلق دستورات خدا بودن.

در ادامه متوجه میشویم که چطوری این سبک زندگی در زندگی دنیایی بوجود میاید. آیه می فرماید که حمیم روی سرشان ریخته میشود. این خاصیت درمانهای کاذب و دروغین است که هر چیزی را از سر شروع میکنند. در قسمت درمان بیماری ایوب متوجه شدیم که خدای رحمان درمان را از پا شروع میکند و پایه های بدنی ما را در نظر می گیرد. نکات روانشناسی که در بعضی کانالها ترویج میشود، مدام از جملات ذهن مثبت حرف میزنند و اینها همگی در کله خوانندگان ریخته میشود و پایه های بدنی و روانی آنان را در نظر نمی گیرند. نسخه های کلی در هر زمینه ای اشتباه است. اگر آیه درمان ایوب را نگاه کنیم، خدای رحمان از کلمه بِرِجْلِكَ (بوسیله پایه های بدنی خودت) استفاده می فرمایند. یعنی هر کسی پایه های بدنی مخصوص و سایز مناسب خود را دارد و نمی توان برای عموم از یک نسخه بهره برد. اکنون نسخه های کلی درمان و رشد برای کودکان در نظر می گیرند و به این طریق دردسر بزرگی برای والدین درست میشود.

نسخه های کلی حتی در زمینه اقتصاد هم اشتباه است. هر جامعه ای باید با توجه به توانایی های پایه ای خود، طرح ریزی شوند. حتی اگر یک روستایی که زمانی در روستا زندگی میکرد، وارد تمدن شهری شود و پایه های روستایی خود را در نظر نگیرد و جو گیر شود، خودش را بیمار میکند. زیرا او سبک و استایل تغذیه و درمان شهری ها را به خود می قبولاند و همین باعث نابودی

سلامتی او میشود. آدمی نباید اصل خویش را فراموش کند. افرادی که در ازدواج به این مسائل توجه نمی کنند، در نهایت به شکست بر میخورند و زندگی زناشوییشان نابود میشود. اصلا اصل آدمی این است که وابسته به هیچ فرقه و سبک و استایل و گروهی نباشد و فقط در راه خدای رحمان زندگی کند و تسلیم اوامر او شود و این همان دین تسلیم است. وقتی برای خدا سجده نکنید، برای غیر خدا سجده خواهید کرد.

ایوب در درمان بیماری ابتدا از پا شروع کرد و این به معنای توجه به پایه های اولیه بدنی است. ما قبل از هر نمازی، در وضو پاهایمان را مسح می کنیم و مسح به معنای لمس دوباره پایه های اولیه می باشد. یعنی ما باید پایه های اولیه بدنی خود را اصل قرار دهیم و نباید جو گیر شویم و آن را فراموش کنیم.

ارْكُضْ بِرِجْلِكَ هَذَا مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ ﴿۴۲﴾

[به او گفتیم] با پای خود [به زمین] بکوب اینك این چشمه ساری است سرد و آشامیدنی (۴۲)

که اگر با توجه به توانایی های پایه ای انجام نگیرد، عدالت و سلامتی از بین میرود و باعث گسترش فساد میشود. اما در علمهای ناقص و عرفانهای کاذب،

از نسخه های کلی استفاده میشود و درمانهای انبوه صورت می گیرد که حول نظریه وحدت وجود می چرخند و همه اینها برای نود درصد موارد اشتباه از آب در میاید. همانطور که در آیه بیان میدارد، ریختن حمیم روی سر، به بطنها و جلدهایشان آسیب میزنند. اما درمان از طریق پا، به بطن و جلد انسان آسیب نمی زند.

يُصْهَرُ بِهِ مَا فِي بُطُونِهِمْ وَالْجُلُودُ حج/۲۰

كه آنچه در شكم‌هايشان است و نيز پوست‌ها[يشان] به‌وسيلهٔ آن گداخته مى‌شود

آیه بعدی می فرماید:

وَلَهُمْ مَقَامِعُ مِنْ حَدِيدٍ حج/۲۱

و براى آنان گُرزهايى ويژه از آهن است [كه بر سرشان مى‌كوبند]

در نهایت می فرماید که این روشها، غم و غصه بدنبال دارد. درمان از طریق حمیم که از سر و راس شروع میکند، باعث تزریق حس غم و افسردگی در آدمیان میشود. اما روش درمان از پا (براساس پایه های بدنی)، شادابی و سلامتی می آورد.

كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِيدُوا فِيهَا وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ حج/۲۲

هرگاه بخواهند به سبب اندوه [و غصۀ گلوگیر] از دوزخ درآیند به آن بازشان می‌گردانند، و [به آنان می‌گویند:] عذاب سوزان را بچشید!

اگر خوب دقت کنید، این آیه ها انگار دارند راجع به زندگی دنیوی ما صحبت میکنند و مشکلاتی که مردم با آن سرو کار دارند؛ اعم از بیماری جسمی و روانی را بیان میکنند. در کل، این آیه ها فلوچارت و فرآیند بیمارشدن تا رسیدن به زیر چاقوی جراحی را برای ما بیان میدارند. این است که جهنم و بهشت ادامه همان سبک و استایل زندگی دنیوی ماست. مردم دید صحیحی نسبت به بهشت و جهنم ندارند و به همین خاطر خیلی سطحی به آن نگاه میکنند و تصورات عجیبی نسبت به آن دارند که با آیات قرآنی نمی خواند. خلاصه آیات اولیه سوره حج را در یک جدول نگاه کنیم که هفت مرحله پرورشی را نشان میدهند.

مرحله	آیه	متن آیه	توضیح	مرحله تربیتی
۱	حج/۱۸	أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ	گروه اولی: سجده کردن و خدمت کردنِ تمام آنچه که در آسمانها و زمین است برای خدا	شنا کردن و سیر کردن موافق و هم جهت با نظام رحمانی = استایل زندگی رحمانی

۲	حج/۱۸	وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ	گروه دومی: سجده نکردن و خدمت نکردن به خدا. نتایج خدمت نکردن به نظام رحمانی در زیر ذکر شده است:	شناکردن و سیر کردن بر خلاف جهت نظام رحمانی = استایل زندگی غیررحمانی
۳	حج/۱۹	قُطِّعَتْ لَهُمْ ثِيَابٌ مِنْ نَارٍ	لباس و پوششی از نار	پوششی از گرمی ها و دلخوشکنکها و آتش برای خود درست کردن
۴	حج/۱۹	يُصَبُّ مِنْ فَوْقِ رُءُوسِهِمُ الْحَمِيمُ	حمیم روی سرشان ریخته میشود	حمیم = نوعی گرمی = روش درمان بیماری
۵	حج/۲۰	يُصْهَرُ بِهِ مَا فِي بُطُونِهِمْ وَالْجُلُودُ	بطنها و جلدها آسیب می بینند	بطون مثل معده و کبد و .. و جلود چیزی مثل پوست و سایر اعضای ظاهری است
۶	حج/۲۱	وَلَهُمْ مَقَامِعُ مِنْ حَدِيدٍ	در نهایت گیر قطعاتی تیز و آهن مانند می افتند. آدمها خودشان باعث میشوند که زیر عمل جراحی بروند	به احتمال قوی، از آنجا که حدید با ال معرفه نیامده است، منظورش هر نوعی تیزی شامل وسایل جراحی هم باشد.
۷	حج/۲۲	كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِيدُوا فِيهَا	این حالتهایی که در بالا بیان شد، کافران به آن عادت میکنند و در اینحالت نمی توانند از آن بیرون آیند و اگر هم بیرون آیند، دچار غم میشوند و دوباره مجبورند برگردند.	معتاد شدن به این روشها و در نتیجه یقین پیدا کردن نسبت به آن و برای همیشه در همان روش ماندن و این همان جاودانگی در بهشت و جهنم است.

آیاتی که در بالا ذکر شد، در سوره حج ذکر شده است. بعضی ها فکر میکنند که حج مربوط به مسلمانان است. اما خدای رحمان بطور عمد و هدفمند در

سوره حج بطور مداوم در حالت کلی مردم (الناس) را مخاطب قرار میدهد و از اسم و صفت مسلمان حرفی نمیزند.

(آیه ۱ : يَا أَيُّهَا النَّاسُ **)**

(آیه ۲ : تَرَى النَّاسَ سُكَارَىٰ**)**

(آیه ۳ : وَمِنَ النَّاسِ **)**

(آیه ۵ : يَا أَيُّهَا النَّاسُ**)**

(آیه ۸ : وَمِنَ النَّاسِ **)**

(آیه ۱۱ : وَمِنَ النَّاسِ **)**

(آیه ۱۸ : كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ **)**

و ...

اولین آیه سوره حج می فرماید:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمْ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ

ای مردم! خود را [با اطاعت از خدا و پرهیز از محرّمات،] از [عذاب] پروردگارتان حفظ کنید؛ زیرا زلزلهٔ هول‌انگیزِ قیامت حادثهٔ بزرگی است

که در این آیات، کلیت مردم خطاب قرار داده شده اند و دین و مذهب مادرزادی مطرح نشده است. این ثابت میکند که کسی که به سفر حج میرود، باید دین و راه و روش خود را از نو بازنگری کند و به عنوان یک فرد بدون مذهب و دین مادرزادی به حج برود که باید دوباره دینش را بازیابی کند.

وَأَذِّنْ فِی النَّاسِ بِالْحَجِّ یَأْتُوکَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ یَأْتِینَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِیقٍ حج/۲۷

و در بین مردم برای حج بانگ برزن! تا پیاده و [سواره] بر هر شترِ چابک از هر راه دوری به‌سوی تو آیند

تمام این آیات بطور عمد و هدفمند در سوره حج آمده اند و قطعا خدای رحمان، آن را خطاب به قشر انس (و نه جن) بیان فرموده اند. اتفاقا این ثابت میکند که قصد سفر به خانه خدا مهمترین فرصت کسب امتیاز برای ناس است که میتوانند آن را انجام دهند ولی جنها از آن بی بهره اند. جنیان از آنجا که محدودیتهای زمانی و مکانی انسانها را ندارند، ممکن است که در کسری از دقیقه به حج بروند و برگردند. اما یک انسان اگر بخواهد به حج برود، باید راه زیادی را طی کند و زمانی را به آن اختصاص دهد و در این سفر و مقدمه

آماده سازی این سفر روحانی، خود را میتواند تربیت کند. حج برای یک انسان، میتواند سکوی پرتابی باشد تا که در آن سفر خود را تربیت کند.

اما بعضی انسانها میخواهند که به قدرتهای عجیب و غریب برسند و در کسری از ثانیه طی الارض کنند و به این طریق فرصت تربیت پروردگار را از دست میدهند. زیرا انسان در حج باید، بطور عادی و با پای خود و براساس استطاعت و توانایی خود به حج برود، تا که بتواند از معنویت حج استفاده کند. بعضی ها که بدون هدف و بدون برنامه ریزی و تلاش و کوشش به سفر حج میروند، هدف اصلی و مهم این سفر معنوی را از دست میدهند. سفر حج برای این است که فرد خود را جزو گروه دومی از دو گروه خصم قرار دهد. حتی اگر کسی نتوانست حج برود و استطاعت مالی آن را نداشت، به هر حال قصد و نیت آن هم سازنده است.

انسان در سفر حج باید پندار و کردار و گفتار خود را از نو بسازد و آن را تجدید کند. اصلا کلمه حج هم به معنای قصد و نیت است. به اشتباه حج را زیارت ترجمه میکنند که اشتباه و غلط انداز است. حج یک نوع قصد و نیت جدی برای انسان است که میتواند در آن خود را دگرگون کند. کسی که حتی قصد دارد به حج برود و برای آن برنامه ریزی میکند تا توانایی رفتن به آن را داشته باشد، اتوماتیک در یک فرآیند هم جهت با نظام رحمانی قرار می

گیرد. در مکه کنونی، ساختمانهایی در کنار کعبه درست شده اند که بسیار بزرگتر از خانه کعبه هستند. این خودش یک نوع بی احترامی است و با مفهوم الله اکبر نمی خواند. اگر به الله اکبر اعتقاد دارید و ایمان دارید که خدا بزرگتر است، بگذارید خانه خدا هم بزرگتر از هر خانه ای دیگر که در کنار خانه خداست، باشد. اینکه خانه ای در کنار خانه خدا درست شود که بسیار بزرگتر از خانه کعبه باشد، نشانه بی تقوایی است و نشان از این دارد که انسانها قدر و حرمت خدا را نگه نمی دارند و جوگیر پیشرفتهای ساختمان سازی و تکنولوژی شده اند.